



The rights of religious minorities in the contemporary history of Iran

reza shabani

Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Shahid Beheshti Branch, Tehran, Iran

✉ annahita.shabani45@gmail.com

s.zahra kavosi

PhD student in Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University of Tabriz, Iran

✉ zahrakavousi66@gmail.com

Date of receipt: 2021.02.18

Date of acceptance: 2021.08.23

Abstract

The study of the rights of minorities and ethnic groups in the Constitution of the Islamic Republic of Iran shows that despite the lack of a clear and coherent model and the lack of common models for attracting and endorsing the participation of minorities in this legal document, the rights of these groups have been raised and preserved in various ways. . In the constitution of our country, three ethnic groups, religious minority and religious minority, are distinguished from each other, and while the ethnic minority can be combined with two other groups, rights have been proposed for each of them, which can be combined together. In addition to the Muslim majority in Iran, there are non-Muslim minorities who, being Iranian citizens, are considered members of the nation. This article seeks to explain the special rights of religious minorities in the Iranian political system that religious minorities, in order to enjoy legal equality, to preserve and protect their religious cultural characteristics, want government-sponsored measures that are addressed in Iranian law. In this article, we intend to analyze the rights of the religious minority community of Iran in contemporary history, which is also a method of collecting information through libraries and taking notes.

Keywords: Minority / Religion / Constitution / Racial Discrimination



حقوق جامعه اقلیت دینی و مذهبی در تاریخ معاصر ایران

صفحه ۶۳-۴۱

رضا شعبانی

✉ annahita.shabani45@gmail.com

استاد گروه حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

سیده زهرا کاووسی

✉ zahrakavousi66@gmail.com

دانشجوی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه آزاد تبریز، تبریز، ایران



10.22034/JAML.2021.2465



20.1001.1.27171469.1400.2.6.3.9

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹.۱۱.۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰.۰۴.۲۵

چکیده

مطالعه حقوق اقلیت ها و گروه های قومی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشانگر آن است که علیرغم فقدان الگوی مشخص و منسجم و عدم استفاده از مدل های رایج جلب و تأیید مشارکت اقلیت ها در این سند حقوقی، حقوق گروه های مذکور به روش های مختلفی مطرح شده و محفوظ مانده است. در قانون اساسی کشورمان سه گروه قومی، اقلیت دینی، اقلیت مذهبی از یکدیگر متمایز شده اند و در حالی که اقلیت قومی با دو گروه دیگر قابل جمع است برای هریک به طور جداگانه حقوقی مطرح شده که باهم جمع پذیرند. در کنار اکثریت مسلمان در کشور ایران، اقلیت های غیر مسلمان نیز وجود دارند که با داشتن تابعیت ایران، از اعضای ملت محسوب می شوند. این مقاله درصدد تبیین حقوق خاص و ویژه اقلیت های دینی در نظام سیاسی ایران است که اقلیت های دینی برای برخورداری از تساوی حقوقی، برای حفظ و پاسداری از خصایص فرهنگی دینی خود خواهان اقداماتی با حمایت دولت هستند که در قوانین ایران به آن پرداخته شده است. در این مقاله بر آن هستیم تا به واکاوی حقوق جامعه اقلیت دینی و مذهبی ایران در تاریخ معاصر بپردازیم که روش گردآوری اطلاعات نیز از طریق کتابخانه ای و فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: اقلیت، دینی، مذهبی، قانون اساسی، تبعیض نژادی.



ORCID

SID

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

CIVILICA

علم نت

Google Scholar

in



مقدمه

احترام به حقوق اقلیت‌ها و تلاش در رفع تبعیض و نقض حقوق حقه‌ی آنان، یکی از مسائل مبتلا به حقوق بشر دنیای ما است. به جرات می‌توان گفت امروزه نمی‌توان کشور را طیفی که تمام تابعینش یکدست باشد و در آن کشور اقلیت معنا و مفهومی نداشته باشد. از سویی دیگر، در دنیای کنونی که تمام کشورها سعی می‌کنند جایگاه خود را از نظر حقوق بشر ارتقاء بخشند، رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌تواند یکی از معطله‌ای مهم این ارزشگذاری باشد. وضع حقوقی اقلیت‌ها و گروههای قومی خود، هم می‌تواند محرکه تنش باشد و هم فرونشاندۀ آن تلقی گردد. در عین حال، چنین چیزی بازتاب ایدئولوژی حکم نیز نبوده است و نقش عام ل ایدئولوژیک و تفکر حاکمان کمتر از عوامل دیگر نیست. مبحث حقوق اقلیتها، از یک لحاظ امری جدید و امروزی است و از جنبه دیگر می‌توان گفت که حداقل در اسلام ریشه طولانی دارد. در اسناد حقوق بشر و شهروند فرانسوی، از انسان، فارغ از تعلقات گوناگون او سخن به میان می‌آید. آنچه که بیش از هر چیز نظره را به حقوق و وضعیت اقلیتها جلب کرد، تاثیر آنها در وقوع دو جنگ جهانی بود. در دوران پس از جنگ اول، نخستین سند حقوقی مربوط به حقوق اقلیتها، پیمان ۱۹۳۸ مربوط به منع و مجازات نسلکشی بود و بعد از آن هم اسناد گوناگونی در مجامع جهانی، برای حفظ حقوق اقلیتها به امضاء رسیده است.

حقوق اقلیت‌های دینی در قوانین ایران، تا پیش از پیروزی انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ش، تابع مسائل سیاسی و تحت فرمان شاهان بود و پس از پیروزی انقلاب اسلام می‌نیز در قانون اساسی اقلیت های مذهبی به مذاهب شیعه و سنی تبدیل شده و اقلیت های دینی شناخته شده به اقلیت های زردشتی، کلکی و مسیحی (ارمنی و آشوری) محدود شدند. سوال اصلی حاضر در مقاله این می‌باشد که اقلیت‌های دینی و مذهبی ایران در تاریخ معاصر چه جایگاه حقوقی داشتند که در راستای تایید فرضیه این سوال باید عرض کرد که وضعیت و جایگاه حقوقی اقلیت ها امروزه بسیار پیشرفت کرده است و به لحاظ انسان بودن و برابری حقوق همه افراد بشر، باید حقوق آنان همانند اکثریت رعایت شود.

۲- کلیات

قبل از شروع بحث مورد نظر لازم است مفهوم واژه اقلیت بررسی شود و برای درک بیشتر جایگاه حقوق اقلیت ها در اسلام و اسناد بین المللی به صورت مختصر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱-۲- تعریف و مفهوم اقلیت^۱

یکی از نخستین مشکلات مربوط به حقوق اقلیت ها، مبهم بودن واژه اقلیت است که تا به حال تعریف رسمی در مورد آن صورت نگرفته است. دبیر کل سازمان ملل در سال ۱۹۴۹ در یادداشتی تحت عنوان «تعریف و دسته بندی اقلیتها» سعی در تعریف این واژه می نماید و می گوید: «در عمل نمی‌توان به ارائه مفهوم ادبی برای تعریف اصطلاح اقلیت اکتفا کرد. در واقع باید تما می‌اجتماعاتی را که در داخل کشور زندگی می کنند از جمله

1. Minority



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



ORCID

SID

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

CIVILICA

علم نت

Google Scholar

in

REF. IR

magiran

Footmogs

خانواده‌ها، طبقات اجتماعی، گروه‌های فرهنگی، اشخاصی که به زبان‌های محلی صحبت می‌کنند و سایر گروه‌های مشابه را اقلیت نامید و چنین تعریفی هیچ فایده‌ای در بر نخواهد داشت». برخی معتقدند هر گاه افرادی با یک تفکو و هدف خاصی دور هم جمع شوند و تمام تلاش‌شان رسیدن به همان هدف باشد و از حیث تعداد، کمتر از اکثریت جامعه باشند، اقلیت هستند.

بنا بر نظر کاپورتورتی (گزارشگر برای مسئله اقلیتها)، برای تعریف واژه اقلیت به سه نکته باید توجه کنیم: ۱- قلیت عددی اقلیت‌ها نسبت به بقیه جمعیت کشور ۲- عدم تسلط بر جامعه ۳- قصد عمومی گروه اقلیت در حفظ ویژگی‌های خاص خود. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴)

واژه اقلیت دربرگیرنده اقلیت‌های قومی، زبانی، فرهنگی، نژادی، مذهبی و ... است. اقلیت به گروهی تلقی می‌شود که نسبت به بقیه جمعیت دولت از نظر تعداد کمتر هستند و به دلیل ویژگی‌های قومی، مذهبی یا زبانی از بقیه متفاوت می‌باشند و برای حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب یا زبان‌شان حس همبستگی با یکدیگر را دارند. مفهوم اقلیت مخصوصاً در حقوق بشر بین الملل با مفاهیمی مثل اتباع بیگانه، کارگران مهاجر، پناهندگان و آوارگان در تداخل است. اینها داخل در اسناد بین المللی حقوق بشر نمی‌باشند و هرکدام شمول قانون و مقررات مخصوص خود می‌باشند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۶) اهل کتاب ساکن در جامعه اسلامی که از احترام، امتیازات و حقوقی بهره‌مند هستند را نیز اقلیت‌های دینی می‌گویند.

۲-۲- جایگاه حقوق اقلیت‌ها در اسلام

پیامبر اسلام (ص) به حقوق اقلیت توجه ویژه‌ای داشتند و در قرآن کریم نیز احترام بر این قشر واجب می‌باشد. در اسلام می‌گویند که پیرو یکی از ادیان یهودی، مسیحی، زرتشتی و یا زیدی بوده و دارای تابعیت یک کشور اسلام می‌و مقیم دایم در آنجا باشند را اهل کتاب می‌دانند. البته مراد از اهل کتاب یهودیان و مسیحیان هستند. زرتشتیان نیز بدون اشکال به ایشان ملحق می‌شوند. دیگر کفار به هیچ وجه از اهل کتاب شمرده نمی‌شوند.

در مجموع کلیه شهروندان وطن اسلام می‌از دو گروه خارج نیستند: ۱- مسلمانانی که بر حسب اعتقاد در برابر قانون مسئولیت و حقوق برابری دارند. ۲- افراد غیرمسلمان که با شرایط خاص طبق معاهده دو جانبه با مسلمانان متحد و تشکیل ملت واحد داد‌ه‌اند که می‌توانند از حقوق مساوی در برابر قانون و دیگر مزایای شهروندی بهره‌مند می‌شوند.

اگر اهل کتاب به شرایط ذمه ملتزم شدند، جان و مال و ناموسشان محفوظ خواهد بود. آنها با پرداختن جزیه که یک نوع تعهد مالی است از امنیت و آزادی (دینی و حقوق مدنی)، البته به میزان جزیه برخوردار خواهند بود که توسط ولی امر تعیین می‌شود و شرایط ذمه نیز مطابق صلاحدید او خواهد بود. در مجموع حقوق اسلام آزادی، حیثیت، مال، حافظ ج ان، به عنوان یک اصل دینی همه شهروندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان خواهد بود. اگرچه حقوق اسلامی در رفتار با اتباع مسلمان و غیرمسلمان تفاوت‌های جزئی قائل است.

اما در بسیاری از موارد وضع غیرمسلمانان بهتر است. برخی از حقوق و مزایای اتباع غیرمسلمان عبارت است از اینکه: غیرمسلمانان از پرداخت مالیات مازاد اموال و خدمات لشکری معافند و جزیه فقط به مردان تعلق می‌گیرد. سالخورده‌گان از کار افتاده و نابینایان و دریافت کنندگان صدقه نیز از پرداخت جزیه معافند. برخی از فقها معتقدند اگر یکی از اهل کتاب مرتکب قتل غیرعمد شود و توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد، دیه مقتول باید از بیت مسلمین پرداخت شود. غیرمسلمانان اعم از اینکه اهل کتابی باشند که حاضر به قبول شرایط ذمه نشده باشند و دیگر کفار مشرکین، کافر حربی



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



محسوب می‌شوند واجب است اسلام برایشان عرضه شود. اگر اسلام را نپذیرفتند واجب است با ایشان جهاد شود و جنگ با ایشان تا زمانی که اسلام بیاورند یا کشته شوند ادامه خواهد داشت.

احکام اهل ذمه در موارد ذیل منافی آزادی عقیده و مذهب است:

اول اینکه اهل ذمه موظفند فرزندانشان را آزاد بگذارند تا خود راهشان را انتخاب کنند.

دوم، اهل ذمه آزاد نیستند کنیسه، کلیسا و صومعه و آتشکده احداث کنند.

سوم، اهل ذمه آزاد نیستند دین خود را تبلیغ و ترویج نمایند و عقاید مسلمانان را سست کنند. چهارم، به طریق اولی اهل ذمه آزاد نیستند تا تعالیم اسلامی را مورد نقد قرار دهند.

پنجم، اهل ذمه آزاد نیستند تا اموری که در دین ایشان مباح شمرده می‌شود ولی در اسلام حرام است را به طور علنی انجام دهند.

ششم، اهل ذمه آزاد نیستند دین خود را به غیر اسلام به مسیحیت، یهودیت تغییر دهند والا کشته می‌شوند.

هفتم، اهل کتاب آزاد نیستند در صورت نقض شرایط ذمه، در جامعه اسلامی بمانند. فزون بر اینها حسن سلوک حضرت پیامبر ص با اهل کتاب و ازجمله مباحله حضرت با جمعی از رؤسای مسیحیان و کشیشان، حاکی از رفتار توأم با انصاف، رحمت و عدالت می‌باشد. (نادر پور، مقصودی، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۴۴)

۲-۳- جایگاه حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل و اسناد بین المللی حقوق بشر

در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، نامی از اقلیت برده نشده، ولی بر تساوی همه افراد بشری و برخورداری آنان از حقوق و آزادی های اساسی بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب تصریح شده است. در مقدمه و مواد ۵۵.۱۳ و ۷۶ منشور ملل متحد و ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد آمده است. برخی از اسناد بین المللی نیز بطور مشخص و ویژه به حقوق اقلیتها اختصاص دارد که از آن جمله می توان اسناد زیر را برشمرد: کنوانسیون محو هر گونه تبعیض نژادی مصوب سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی، کنوانسیون منع مجازات ژنوساید ۱۹۴۸، کنوانسیون ضد تبعیض در تعلیم و تربیت یونسکو ۱۹۶۰، مقاله نامه شماره ۱۱۱ در مورد تبعیض در استخدام و اشتغال مصوب سازمان بین المللی کار ۱۹۵۸، اعلامیه محو هر نوع ناپردباری و تبعیض بر اساس مذهب مصوب سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی و اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی، نژادی، مذهبی و زبانی مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی علاوه بر مقررات کلی مربوط به رعایت حقوق همه افراد بدون تبعیض از لحاظ نژاد، زبان و مذهب و مواد ۱۸.۱۹.۲۴.۲۵.۲۶ در ماده ۲۷ مشخصاً از اقلیتهای نژادی، مذهبی، و زبانی نام برده و حق برخورداری آنان را از فرهنگ و دین خاص خود به رسمیت شناخته است. نقل دو ماده ۲۶ و ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که اولی ناظر به حکم کلی رفع تبعیض و دو می وجه دیگر





حقوق اقلیتها را بیان می نماید، خالی از فایده نیست. ماده ۲۶: کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچگونه تبعیض، استحقاق حمایت بالسویه قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص حمایت موثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشاء اصلی یا اجتماعی، مکتب، نسبت یا هر وضعیت دیگر تضمین نماید. ماده ۲۷: در کشورهایی که اقلیتهای نژادی، مذهبی یا زبان، وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیتهای مزبور را نمی توان از این حق محروم نمود که مجتمعا با سایر افراد گروه خاص خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند، یا به زبان خود تکلم نمایند. اعلامیه مربوط به حقوق افراد وابسته به اقلیتها مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل به نحو مشخصتر و روشن تری توجه به حفظ هویت اقلیت ها را بیان کرده که البته هنوز در سطح اعلامیه است و عنوان معاهده به خود نگرفته است.

ماده ۱ این اعلامیه می گوید: دولتها باید از موجودیت و هویت اقلیتهای ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی واقع در قلمرو خود حمایت نموده و شرایط و وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هویت آنها را تشویق نمایند. همچنین یک نهاد خاص حقوق بشری در سازمان ملل نیز به نام کمیسیون فوئی جلودگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها و عدم اعمال تبعیض و حمایت از اقلیتها از سال ۱۹۴۷ تأسیس شد و با تشکیل اجلاس سالانه در ژنو و داشتن برای گروههای کاری در زمینه حمایت از اقلیتها تلاش می کند. (اخوان، ۱۳۹۵: ۵۶)

اقلیت ها به عنوان مسئله ای در حقوق بین الملل در طول تاریخ همواره به اشکال گوناگون خود نمایان شده و نقض سازمان یافته حقوق آنها مسئله ای واقعی بوده است. کشتار اقلیت های مسیحی توسط حاکمان یهودی و غی یهودی اروپایی در صدر تاریخ مسیحیت، قتل عام یهودیان به وسیله مسیحیان رومی و اجبار زندگی گتویی برای یهودیان، تا موارد معاصر مانند اکراد عراقی در حکومت صدام، ترکمن، مسلمانان کشمیر، سرخ های هندی، تامل ها در سری لانکا، تبسی ها در چین، کاتولیک ها در ایرلند شمالی، اقوام غی عرب در جنوب یهودان، اهالی یهود شرقی و وقایع یگسلاوی سابق نشان دهنده ماهیت مسئله اقلیت گسترده این معارضه تاریخی است. از نخستین جلوه های ظهور مسئله اقلیت ها در دوران معاصر و تکوین حقوق بشر را می توان در دست آوردهای جامعه ملل مشاهده نمود.

هر چند در سند تشکیلی جامعه ملل مستقیماً اشاره ای به این مسئله نشده بود اما پاره ای از معاهدات دو ملی چرخه جنبه منعقد پس از تشکیلی جامعه ملل، این نهاد بین المللی را مرجع اقدامات به نفع اقلیت ها قرار داده است. (ملی افشار، ۱۳۹۱: ۶)

۳- سیر تحولات تاریخی و حقوقی در ایران

تنها سرنخ موجود در این زمینه آن است که کوروش کبیر به هنگام ورود فاتحانه به شهر بابل در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، طی فرمانی تمامی مللی را که اقلیت بوده اند و در اسارت بابلی ها به سر می بردند را آزاد نمود. در سال ۱۹۵۵ میلادی، در اروپا پیمانی به امضا می رسد که به پیمان صلح اوگسبورگ معروف است و این پیمان حمایت از اقلیت های مذهبی را مطرح می کند که در آن برهه از تاریخ از ارزش خاصی برخوردار است اما شروع بحث حمایت از اقلیت ها از قرن ۱۷ میلادی است و سه معاهده معروف وستفالی ۱۳۴۸، اولیوا ۱۶۶۰ و نیچمگان ۱۳۷۸ را بسیاری از حقوقدانان شروع حمایت رسمی از این افراد می دانند. ۵ دوره تاریخی برای حمایت از اقلیت ها وجود دارد: دوره اول از اواسط قرن ۱۷ شروع و تا ۱۸۱۲ (کنگره وین) ادامه یافت. دوره دوم از ۱۸۱۲ شروع و تا پایان جنگ اول ادامه یافت. دوره سوم در جنگ اول شروع و تا پایان ۱۹۴۵ ادامه داشت.





ORCID

SID

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

CIVILICA

علم نت

Google Scholar

in

REF. IR

magiran

Footmogs

دوره چهارم از ۱۹۴۵ شروع و تا شکستن دیوار برلین ادامه داشت. دوره پنجم از شکستن دیوار برلین تا به امروز است. در قرن ۱۶ و ۱۷، اقلیتی به نام اقلیت زبانی برای بشریت ناشناخته بود و حمایتی از آن دیده نمی شد. در جهان امروز نیز مباحث مربوط به اقلیت ملی بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است چراکه امروزه این نوع اقلیت ها در معرض خطر بیشتری قرار دارند در حالی که پیش از قرن ۱۹ به بحث اقلیت ها به عنوان یک بحث سیاسی صرف که در صلاحیت انحصاری دولت هاست توجه نمی شد و به عنوان یکی از مباحث حقوق بین الملل نبود اما به هر حال اولین سیستم حمایت از اقلیت ها، در قالب میثاق جامعه ملل پیش بینی می شود. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۱)

در ممالک اسلامی، اقلیت های مذهبی با توجه به مقررات فقه اسلام می از استقلال کامل در حوزه احوال شخصیه برخوردار بودند و غیر مسلمانان می توانستند در اموری همچون ازدواج، طلاق، ارث، وصیت و غیره تابع مقررات مذهبی خود باشند. حتی رعایت برخی مقررات کیفری اسلام می از جمله شرب خمر، در مورد غیر مسلمانان الزامی نبود. (شریفی طراز کوهی و قره باغی، ۱۳۸۹: ۳۵)

بررسی وضعیت اقلیت ها در حقوق ایران را نیز نمی توان از مبحث حقوق آنان در اسلام تفکیک نمود. از آنجایی که اقلیت های مذهبی در اسلام مورد توجه بوده اند و توجه به قومیت و نژاد نشده است، اسلام به ارزش های قومی و میهن دوستی توجه کرده است و حقوقی برای این افراد در نظر گرفته است. پاره ای از حقوق اقلیت های دینی و مذهبی ساکن در ایران در دوره های مختلف را در ذیل این عنوان مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

۱-۳- حقوق اقلیت های دینی و مذهبی در عصر صفویه و رفتار دولت با آنان

در دوران صفویان، روابط سیاسی بر زندگی اقلیت ها اثرگذار بود. هرچه روابط صفویان با اروپاییان شدت می گرفت، فشار بر اقلیت دینی یهودی افزوده می شد. این روند در عصر شاه عباس یکم به اوج خود رسید و پس از عباس یکم، این عامل تحت الشعاع عوامل دیگر قرار گرفت و تمام اقلیت های دینی تحت ستم و آزار واقع شدند. هرچند که مسیحیان به مراتب از زرتشتیان و یهودیان وضعیت بهتری داشتند. روابط خوب جامعه یهودیان عثمانی با دولت آن کشور، فشار شاهان صفوی برای یهودیان ایران را به دنبال داشت و یهودیان عثمانی هم در مقابل به تحریک سلاطین آن کشور علیه صفویان و ناامن کردن مرزهای غربی ایران می پرداختند.

نفوذ روحانیت شیعه در دربار صفوی منجر به نوعی تعصب دینی شد که شیوه حکمرانی شاهان صفوی را تحت الشعاع قرار می داد. در این میان، اوضاع دربار بستگی به اقتدار و کفایت شاه صفوی داشت برای مثال در زمان حکمرانی عباس یکم، از قدرت تاثیرگذاری طبقه روحانی کاسته شد و خواجه سرایان هم نقش چندانی در امور اجرایی نداشتند ولی شاهان ضعیف صفوی چون سلطان حسین، با فقهای که دچار تعصب مذهبی بودند مانند ملا محمد باقر مجلسی روبرو شدند و فتاوی او توسط شاه تایید و اجرا می شد. فشارهایی که در عصر شاه سلطان حسین، یهودیان را در معرض انقراض قرار داد و زرتشتیان را مجبور کرد تا آتش مقدس خود را مخفیانه از اصفهان به کرمان منتقل کنند و در شورش افغان ها علیه حکومت مرکزی شرکت کنند که مسلماً ریشه اش در فتاوی علمایی بود که خالی از تعصب مذهبی نبودند.

در عصر صفوی فشارهای زیادی بر اقلیت زرتشتی و یهودی وارد شد و دانشمندان یهودی و زرتشتی، کمتر فرصت پیشرفت و شکوفایی پیدا کردند. هر چند در عصر صفوی و در قلمرو آنها برخی از شعرا و دانشمندان را در میان یهودیان و زرتشتیان مشاهده می کنیم ولی در عصر صفوی دانشمندان یهودی در عراق و دانشمندان زرتشتی در هند اقامت افکندند و افراد ساکن ایران هم بسیاری اوقات مجبور به مهاجرت به قلمرو عثمانی یا هند



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



ORCID

SID

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

CIVILICA

علم‌نت

Google Scholar

in



magiran

Footmogs

می‌شدند که علت این مهاجرت‌ها اهدای آزادی مذهبی در هر دو کشور عثمانی و هند به اقلیت‌های مذهبی بود. (جعفرپور و ترکی دستگردی، ۱۳۸۷: ۷۸)

همان‌طور که ذکر شد، در دوره شاه عباس یکم نشانی از آزادی‌های مذهبی و اجتماعی یهودیان باقی نمانده بود، گرچه این آزادی در تجارت یهودیان وارد نشده بود و بازرگانان یهودی به فعالیت‌های خود در شهرها و بنادر و مراکز تجاری ادامه می‌دادند. خود یهودیان نیز دلیل تنزل موقعیت این قوم را از نفوذ سیاستمداران و سفیران مسیحی مذهب اروپایی در دربار صفوی می‌دانستند که با توجه به دشمنی اروپاییان مسیحی با یهودیان، گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی آنها به تدریج بر زندگی یهودیان ایران تأثیر منفی می‌گذاشت که در این میان عده‌ای از یهودیان و مسیحیان، نه به خاطر علاقه مندی به اسلام، بلکه برای انتقام جویی از هم کیشان خود که رابطه خوبی با آنها نداشتند به اسلام گرویدند و با استناد به قانون به ضبط اموال بستگان و دوستان خود پرداختند.

در خصوص زرتشتیان اطلاعات زیادی موجود نیست ولی زرتشتیان عصر صفوی غالباً سطح زندگی پایینی داشته و از فقر و ناداری رنج می‌بردند. اکثراً به کشاورزی مشغول بوده و از این راه درآمد کسب می‌کردند و از آنجا که سیاست مذهبی خاصی از سوی دولت صفوی دنبال می‌شد که ترویج مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور در راس آن بود، فشار بر اقلیت‌های دینی و مذهبی افزوده می‌شد. از زرتشتیان ساکن کرمان مقداری جزیه مطالبه می‌شد که با تعداد زرتشتیان ساکن آنجا همخوانی نداشت.

کتب مذهبی آنها در زمان شاه عباس یکم مورد تعرض قرار گرفت و تعقیب آزار زرتشتیان در عصر شاه سلطان حسین، چند برابر شد. آشکده ایشان در همین زمان ویران و مسجدی به جای آن بنا شد. در کتاب شیخ بهایی که جنبه قانون اساسی آن روز ایران را داشت، ۹ مرتبه به یهودیان و ۴ مرتبه به زرتشتیان اشاره کرده و مقررات خاصی وضع نموده است. به عنوان مثال به ظن قوی آن‌ها را نجس می‌شمرد، قصابی کردن یهودیان و مسیحیان را ممنوع و جزو تجارت‌های نامشروع می‌خواند ولی نکاح با زنان آنان را به ظن قوی مجاز می‌دانست.

معامله با یهودی، مسیحی و زرتشتی را مکروه و ناپسند می‌شمرد که با توجه به قدرت نفوذ خود در دربار صفوی و با نگاهی به فتاوی او از جمله کراهت معامله با یهودی، مسیحی و زرتشتی می‌توان پی برد که چگونه با این فتوا به تجارت و اقتصاد اقلیت‌های دینی در ایران ضربه وارد شد.

۲-۳- حقوق اقلیت‌های دینی در عصر قاجار

نوع پوشش زنان اقلیت این دوره با توجه به اعتقادات مذهبی و دینی آنان متفاوت بوده است. زنان ارمنی عمدتاً پیراهن‌های قرمز و زرد ملیله دوزی شده و چادرهای سفیدی به سر داشتند و زنان زرتشتی دستمال‌های رنگی به سر داشتند و از چادر استفاده می‌کردند. (علم و دنیاری، ۱۳۹۸: ۷۹) در عصر قاجار دو نوع محکمه با رویه و منابع متفاوت فعال بود: محاکم عرفی و محاکم شرعی. اقلیت‌های دینی از یهودیان و مسیحیان و زرتشتیان برای دعاوی خود با صاحب منصبان حکومتی به محاکم عرفی، در دعاوی کیفری با مسلمانان به محاکم شرعی مسلمانان و در دعاوی با هم کیشان‌شان به محاکم ویژه شریعت خود به قضاوت روحانیان آن دین مراجعه می‌کردند.



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



سه نقیصه مهم این محاکم عبارت بودند از: نداشتن قانون مدون، نبودن وحدت رویه در آرای قضایی و فقدان استقلال قضایی. قضاوت روحانیان اقلیت‌های دینی عمدتاً مستند به آداب و سنن شفاهی بود که از پیشینیان به آنها رسیده بود جز روحانیان یهودی که از مجموعه های مکتوب به نام «هالاخا» برخوردار بودند. آرای محاکم عرفی و شرعی مسلمانان نیز به منابع گوناگون به ویژه دیدگاه‌های مشهور فقهای امامی مستند بودند.

۳-۳- حقوق اقلیت‌های دینی در دوره نهضت مشروطه

با آغاز نهضت مشروطه و فراگیر شدن نارضایتی عمومی از اوضاع اجتماعی و سیاسی برخی از پیروان اقلیت‌های دینی ایران نیز به این نهضت پیوستند. به ویژه زرتشتیان به لحاظ حمایت‌های مالی و مسیحیان ارمنی به لحاظ نظامی نقش بیشتری داشتند. شرایط ویژه آن دوره تاریخی، همدلی و وحدت حاصل از انقلاب مشروطه و طرح خواسته‌هایی چون برابری حقوق و محدود شدن قدرت شاه، زمینه تدوین نخستین قانون اساسی مدون ایران را با توجه به حقوق همه مردم ایران از جمله اقلیت‌ها فراهم کرد.

در انتخابات مجلس اول، انتخابات بیشتر ماهیت صنفی داشت و در نظام نامه آن، وضع نمایندگان اقلیت‌ها مشخص نبوده ولی عملاً زرتشتیان، ارباب جمشید جمشیدی‌ها را برگزیدند و سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی نمایندگی یهودیان و مسیحیان را در مجلس شورای ملی پذیرفتند. در ماده دوازدهم قانون اصلاحی انتخابات ۱۲۹۰ مقرر شد که یهودیان، زرتشتیان، مسیحیان ارمنی شمال و جنوب و مسیحیان آشوری هر یک، یک نماینده در مجلس داشته باشند. این ماده قانونی به نفع اقلیت بود که در همه دوره‌های مجلس، چه پیش از انقلاب اسلامی چه پس از آن ثابت ماند و اجرا شد. موافقان این رویه، آن را برای دفاع از حقوق قانونی اقلیت‌های دینی در نظام قانونگذاری ایران امتیازی بزرگ می‌دانند.

در اصل یک متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶، مذهب رسمی کشور، شیعه اثناعشری اعلام شد ولی تا زمان انقلاب اسلامی، هیچ مصوبه قانونی به تعیین و شمارش ادیان و مذاهب غیرشیعه نپرداخت. در اصول متمم قانون اساسی، در بخش حقوق ملت، تعابیری چون «اهالی مملکت ایران»، «هیچ یک از ایرانیان» و «افراد مردم» به کار رفته که بر مبنای شهروند دلالیت دارد و شامل همه ایرانیان از جمله اقلیت‌های دینی می‌شود. از این رو برای نخستین بار یک قانون نوشته، حقوقی معادل مسلمانان برای اقلیت‌های دینی مقرر نمود، بدون آنکه برخوردار شدن از این حقوق را به شرایطی مانند پرداخت جزیه منوط کند و بر پایه اصل ۹۷ این قانون در مورد وظایف مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی میان افراد وجود ندارد.

همچنین در اصل هشتم متمم قانون اساسی برای کلمه قانون، وصف دولتی ذکر شد که موجب شد تساوی همه افراد در برابر قانون به قانون دولت‌ی انحصار یابد و تفاوت‌های حقوق میان مسلمانان و غیرمسلمانان در منابع اسلامی پابرجا باشد. با این تغییرات، قانون اساسی مشروطیت درباره حقوق اقلیت‌ها دچار مشکلات جدی و ساختاری شد. البته در عمل، اجرای قوانین پیشنهادی به ویژه اصل دوم متمم ناکام ماند و از این رو عالمان دینی دوره پهلوی، قوانین و نیز احکام صادره از محاکم را فاقد مشروعیت می‌دانستند که در این دوره اوضاع سیاسی ایران بسیار ناپایدار شد.

همچنین بر پایه پاره‌ای از گزارش‌های تاریخی، در سال ۱۲۹۹ گرفتن جزیه از زردشتیان با وساطت سفیران فرانسه، انگلیس و تلاش‌های امام جمعه وقت کرمان به دستور ناصرالدین شاه معلق شد و پس از مشروطه به تدریج دریافت جزیه از مسیحیان و یهودیان نیز لغو گردید به موجب بند های هفتم و دهم ماده دوم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۱۲، همه معابد و مراکز خیریه مسلمانان و غیرمسلمانان و نیز انجمن‌های اقلیت‌های رسمی از پرداخت مالیات معاف شدند. (سایت دانشنامه حوزوی ویکی فقه، تاریخ رؤیت ۲۰ فروردین ۱۴۰۰)





ORCID

SID

مجله حقوقی نوین

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

CIVILICA

علم نت

Google Scholar

in

REF. IR

magiran

Footmogs

۳-۴- حقوق اقلیت‌های دینی در عصر پهلوی و وضعیت آموزش زبان آنان

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، محتوای مواد عام بود و میان مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی مقرر نشده بود ولی ماده اول آن میان محاکم عدلیه و محاکمه شرعی تفکیک قائل شد که غرض از درج این موضوع را در این ماده جلوگیری از مخالفت عالمان دینی با قوانین جدید دانستند. به موجب مواد ۱ و سوم اصلاحی قانون مذکور در ۱۳۵۲، مواد قانونی آن شامل همه مجرمان می شد، چه مسلمان چه غیر مسلمان. در جرایمی مانند قتل که کیفر غیر مسلمان با مسلمان در شرع گاهی ناپایدار است، مجازاتی یکسان مقرر گردید.

رویکرد حکومت پهلوی، توجه به ملی گرایی ایرانی بود و آن را بر گرایش های قومی، زبانی و دینی ترجیح می داد از این رو غیر مسلمانان از سال ۱۳۰۵ توانستند در قالب خدمت سربازی یا استخدام به ارتش راه یابند. مواد قانون مدنی ایران که جلد نخست آن در ۱۳۰۷ و جلد دوم و سوم آن در سال های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ به تصویب رسید جز در مواردی معدود مانند ماده ۱۰۵۹ درباره جایز نبودن ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان، عام است و برای غیر مسلمانان حکمی برابر با مسلمانان دارد.

گفته شده است که حکومت وقت با تدوین این قانون می خواست بهانه نبودن قانون در ایران را از خارجیان و پناهندگان به سفارتخانه ها بگیرد و بتواند قانون مصونیت قضایی یا کاپیتولاسیون را که از عهدنامه ترکمنچای باقی مانده بود، لغو کند و از این رو مواد آن به گونه عام تنظیم گردید. به موجب ماده واحده الحاقی قانون اجازه رعایت احوال شخصیه مصوبه ۱۳۱۲، ایرانیان غیر شیعه اجازه یافتند در احوال شخصیه بر طبق مقررات آیین خود رفتار کنند. دادگاه ها نیز به استناد آرای مشهور فقهای اهل سنت و نیز انجمن های زرتشتی و کلیه و کلیساها به دعاوی این اشخاص رسیدگی می کنند.

اقلیت های دینی رسمی ایران یعنی مسیحیان، زرتشتیان و کلیمیان در دوره رضاشاه در فضای گفتمان حاکم ملی گرایانه دولت نه تنها قادر نبودند به آموزش زبان خود در مدارس بپردازند بلکه مدارس شان به تعطیلی نیز کشانده شد. نخستین مدرسی که در میان ارامنه شروع به فعالیت کردند، مدارس مسیونرهای آمریکایی در دوره قاجار بود که در مناطق ارمنی نشین، مدرسی را برای کودکان ارمنی دایر کردند.

پس از آن در سال ۱۲۴۸ تا ۱۲۴۹ سه جوان ارمنی در تهران انجمنی به نام انجمن دوستداران علم و دانش تشکیل دادند که این انجمن در جامعه همان سال مدرسه «هایگازیان» را افتتاح کرد. پس از انقلاب مشروطه، ارمنیان بر اساس مجوز ها و فرمان های خاص ضمانت اجرایی برخوردار از مدارس ملی را دریافت کردند. زبان آموزشی در مدارس این اقلیت، ارمنی بود که کم کم زیر نظر دولت قرار گرفت. در سال ۱۳۰۶ دولت فشار آورد تا مدرسی که زبان ارمنی دارند، زبان اصلی شان باید فارسی باشد و مدرسی که این مقررات را رعایت نمی کردند تهدید به تعطیل شدن و کودکان ارمنی در منازل به یادگیری زبان ارمنی، ادبیات، تاریخ و دینی می پرداختند که تا اواخر جنگ جهانی دوم به همین صورت بود.

خلیفه کل ارامنه آذربایجان تلاش های بسیاری برای حل این مشکل انجام داد و در سال ۱۳۲۰ نامه ای خطاب به علی سهیلی، نخست وزیر وقت نوشت و اجازه تدریس تنها چند ساعت زبان ارمنی بدون پرداخت دستمزد آموزگار را خواستار شد که اجازه تدریس روزانه ۲ ساعت زبان ارمنی همراه با پرداخت حقوق معلم استخدام شده تصویب شد. بعد از آن ارامنه تا پایان حکومت پهلوی توانستند تنها ۶ ساعت درس را به زبان ارمنی تدریس کنند. به همین دلیل آنان دوره پهلوی اول را اوج ظلم به ارامنه و دوره پهلوی دوم را دوره بازگشت آرامش نسبی می دانند. (اکبری و حرآبادی فراهانی، ۱۳۹۵: ۶)



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



آشوریان تا دوره پهلوی دوم در تهران مدرسه اختصاصی نداشتند و اغلب آنها در ارومیه در مدارس فرانسوی درس می‌خواندند. این امر از آنجا ناشی می‌شد که مردم آشوری ارومیه از امکانات بیشتری برخوردار بودند. مباحثان پروتستان در روستاهای اطراف ارومیه مدارس را برای تعلیم زبان مادری آشوریان تاسیس کرده بودند.

پس از حاکم شدن سیاست ملی رضاشاه تدریس این زبان نیز دچار وقفه شد. در دوره پهلوی دوم آشوریان نتوانستند مجدداً به تدریس زبان خود بپردازند زیرا دیگر سیاست ملی گرایی زمان رضاشاه دنبال نمی‌شد و تمام اقلیت‌ها ساعتی حق تدریس زبان خود را به دست آوردند بدین ترتیب آشوریان ۷ کتاب دستور زبان آشوری تالیف و آن‌ها را در مدارس به کودکان خود تدریس می‌کردند. در تهران پس از سال ۱۳۳۴ دو مدرسه برای آشوریان تاسیس شد که در این دو مدرسه به تدریس زبان آشوری پرداخت شد و چندین سال بعد کلیساها و مراکز دینی آشوری در تهران نیز اقدام به ساخت مدارس آشوری کردند. (همان، ۱۱)

زرتشتیان نیز تا پیش از ورود فردی به نام مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا از جانب پارسیان هندوستان به دلیل مشکلات مالی اقدام چندانی در زمینه تاسیس مدرسه جدید انجام نداده بودند. مانکجی در تهران مکتبی دایر و جمعی از فرزندان زرتشتیان یزد و کرمان را به آنجا بردند و به آموزش آنها مبادرت ورزید و پس از انقلاب مشروطه، شورای عالی معارف مجوز تاسیس مدرسه برای زرتشتیان را صادر کرد. دوره حکومت پهلوی اول که سیاست‌های ملی‌گرایانه بازتاب وسیعی در جامعه داشت، در میان اقلیت‌های دینی تنها زرتشتیان بودند که توانستند بخشی از شرایط خویش را بهبود بخشند و اغلب آنان در کنار زبان فارسی به زبان فارسی دری صحبت می‌کردند. در زمان رضاشاه در مدارس زرتشتی کودکان به این زبان صحبت می‌کردند و تنها کتاب‌های فارسی شان به زبان فارسی بود. در زمان حکومت محمدرضا شاه زرتشتیان دیگر شکوه زمان رضا شاه را احساس نمی‌کردند زیرا سیاست‌های ملی‌گرایانه مانند گذشته اهمیت نداشت.

همچنین در مدارس زرتشتی در کنار زبان فارسی، زبان انگلیسی هم به عنوان زبان دوم تدریس می‌شد. (پیشدادی، ۱۳۷۷: ۱۸۹) در خصوص اقلیت‌های کلویی نیز باید خاطر نشان کرد که پس از تاسیس مدارس آلیانس در ایران توسط فرانسوی‌ها، فرانسه زبان اول مدارس کری می‌به شمار می‌رفت. در اواسط قرن نوزدهم، آدولف کرمیو و تعدادی از روشنفکران یهودی برای کمک و همراهی با هم کیشان خود انجمن آلیانس جهانی را برپا کردند که هدف این انجمن حمایت از یهودیان تمام جهان و جلوگیری از آزار آنان بود. این مدارس تا پایان حکومت قاجار به صورت خودمختار عمل می‌کردند اما از سال ۱۳۰۳ به بعد برنامه واحدی برای تمام نهادهای آموزشی در نظر گرفته شد و در کنار زبان فرانسه از زبان عبری برای تعلیم و امور دینی استفاده شد و تا دوره رضا شاه این روش را دنبال می‌کردند.

همچنین در زمان رضاشاه به دنبال اهمیت زبان فارسی، مدارس آلیانس نیز مجبور به تبعیت از وزارت معارف در جایگزین کردن زبان فارسی به عنوان زبان اصلی شدند. وزارت معارف از بودجه این سازمان یک دبستان ۶ کلاسه در ارومیه مطابق پروگرام رسمی برای آرامنه، آشوری‌ها و کلیمیان تاسیس نمود و تدریس زبان فارسی را در آنجا امری ضروری اعلام کرد اما بعدها در دوره پهلوی دوم که دیگر زبان فارسی زبان اول کشور نبود مدارس کلویی نتوانستند مجدداً آزادانه به تدریس زبان فرانسه و عبری بپردازند. (اکبری و ح‌آبادی فراهانی، پیشین، ۱۵) سیاست‌های دولت مدرن پهلوی یکسان سازی فرهنگی برای تحقق پروسه ملت سازی در ایران بود. اجرای آیین‌های مذهبی و محلی با محدودیت مواجه بود و اقوام و خرده فرهنگ‌های آن‌ها مورد تحقیر واقع می‌شدند که این رویه در سیاست‌های فرهنگی پهلوی دوم نیز همچنان پیگیری می‌شد.





۵-۳- حقوق اقلیت‌های دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌های مذهبی به مذاهب چهارگانه اهل سنت و شیعیان زیدی اقلیت‌های دینی شناخته شده به زرتشتی، کریمی و مسیحی (ارمنی و آشوری) محدود شدند. این اقلیت‌ها در محدوده قانون محترم اند، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه به عمل کردن بر طبق آیین خود مجاز. بر طبق اصل ۶۴ قانون اساسی و اصلاحیه آن هر یک از اقلیت‌های دینی رسمیه می‌توانند نماینده در مجلس شورا داشته باشند.

تنها تفاوت مقررات فعالی انتخابات اقلیت‌های دینی با قانون مصوب ۱۲۹۰ آن است که برای مشخص شدن اقلیت‌ها در انتخابات، اصلاحیه ماده ۲۰ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۶۳، ثبت نوع دین اقلیت‌ها را در اسناد سجلی آنان لازم شمرده است. در برخی اصول قانون اساسی تعبیر عامی آمده است که شامل اقلیت‌های دینی هم می‌شود از جمله لزوم فراهم شدن زمینه مشارکت عمو می مردم در تعیین سرنوشت خود و تامین امنیت قضایی برای همه مردم، حمایت قانون از همه مردم و برابری حقوق مردم، حق انتخاب شغل مناسب، حق دادخواهی، حق انتخاب وکیل و اصل برائت همه اشخاص از ارتکاب جرایم. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌نسبت به قانون اساسی مشروطه، آزادی‌ها و حقوق بیشتری برای اقلیت‌های دینی و مذهبی تعیین کرده است. با این حال در خصوص برخی اصول این قانون ابهام‌هایی وجود دارد.

مثلاً در اصل نوزدهم در شمارش اموری که موجب امتیاز نمی‌شود پس از یک رنگ و نژاد و زبان، عبارت «و مانند اینها» آمده است و معلوم نیست که آیا دین و مذهب از مصادیق این تعبیر هست یا نه. بعلاوه در اصول ۴، ۱۲، ۹۱، ۱۱۵ التزام به دین رسمی، ضروری یا موجب امتیازی خاص به شمار رفته است. همچنین حاکمیت موازین اسلامی بر همه مقررات کشور، که در عصر چهارم بر آن تاکید شده، مقتضی آن است که برخی آراء مشهور فقهی درباره غیر مسلمانان بتواند وجه قانونی یابد و چالش‌هایی برانگیزد. همچنین در اصول ۱۳ و ۲۰، آزادی اقلیت‌ها با قیودی هم‌چون در حدود قانون یا رعایت موازین اسلامی مطرح شده که مراد از این قیود مبهم است. (مهرپور، ۱۳۸۳: ۳۹۵)

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، بخش مجازات‌های بازدارنده به گونه ای آن تنظیم شده بود که میان مسلمان و غیر مسلمان هیچ تفاوتی نگذاشته بود ولی در قلمرو قوانین حدود و دیات و قصاص به سبب پیروی قانونگذار از آرای مشهور فقهی، گاهی میان احکام مسلمانان و غیرمسلمانان تفاوتی دیده می‌شد. ماده ۲۰۷، حق قصاص را تنها برای اولیای دم مقتول مسلمان قائل شده و در حق غیر مسلمان، حکم به پرداخت دیه کرده است در حالی که پیش‌تر در سال ۱۳۷۰، ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی فقط دیه مقتول مسلمان را مشخص کرده بود و در طیه دعی غیرمسلمان ساکت بود. در سال ۱۳۷۰ در تبصره دوم این ماده، تعیین میزان دیه اقلیت‌های دینی رسمی به نظر ولی امر موکول شد.

با توجه به ابهام موجود و مشکلات اجرایی آن، مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۶ دی ۱۳۸۲ دیگر اقلیت‌های دینی شناخته شده را با دیگر مسلمانان برابر دانست و در عین حال بخشنامه ۸ خرداد ۱۳۸۷ قوه قضاییه، دیه مسلمان با غیر مسلمان را به طور مطلق صرفاً در تصادفات رانندگی طبق قوانین شرکت‌های بیمه برابر اعلام کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مهمترین تغییرات قوانین مدنی مربوط به اقلیت‌های دینی دو مورد است: مانع بودن کفر از ارث بردن و شرط ایمان برای گواهی دادن در دادگاه که پیش‌تر از اجرای این حکم و ایران سوء استفاده‌هایی شده بود.

مثلاً برخی سودجویان در میان غیرمسلمانان به گونه صوری یا واقعی، مسلمان می‌شدند تا یگانه وارث خویشان و نزدیکان خود باشند هر چند محمد شاه قاجار و سپس امیرکبیر و بعدها ناصرالدین شاه با فرمان حکومتی، مانع بودن کفر را از قانون ارث برداشتند ولی در عمل توفیق چندان حاصل نشد. در ۱۳۶۱، ماده الحاقی ۸۸۱ قانون مدنی، آزمایشی به اجرا در آمد که بر طبق آن، کافر از مسلمان ارث نمی‌برد و اگر در میان وارثان متوفی کافر،



مسلمانی وجود داشت، وارثان کافر ارث نمی بردند. این ماده در سال ۱۳۷۰ تصویب قطعی شد ولی در ۱۳۷۲ به حکم مجمع تشخیص مصلحت نظام به حالت تعلیق در آمد و دادگاه ها ملزم شدند قواعد و عادات مسلم اقلیت های دینی رسمی را رعایت کنند. از این رو تقسیم اموال متوفی غیر مسلمان، بر اساس قواعد مسلم، در هنگام مرگ او صورت می گیرد نه به موجب ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی. علاوه بر این ماده ۱۳۱۳ مکرر قانون مدنی اضافه شد و به موجب آن وجود عدالت و ایمان برای اثبات و پذیرش شهادت گواهان لازم شمرده شد.

با تنظیم برخی قوانین، زمینه فعالیت های آزاد دینی اقلیت ها در ایران فراهم شد. بر پایه اصل ۶۷ قانون اساسی، نمایندگان اقلیت های دینی در هنگام ادای سوگند در مجلس می توانند به کتاب مقدس خود قسم بخورند. مواد ۳۷ و ۳۸ قانون فعالیت احزاب و انجمن ها مصوب ۱۳۶۱، فعالیت های دینی (مانند برگزاری مراسم مذهبی) و نیز فعالیت های اجتماعی (مانند تأسیس باشگاه های ورزشی، مراکز درمانی و خانه های سالمندان) و فرهنگی (مانند تأسیس مدارس و آموزش زبان خاص) را برای اقلیت ها جایز شمرده و یارانه نقدی برای انجمن های اقلیت های دینی نیز پیش بینی شده است. مفاد قانون معافیت مالیاتی معابد و انجمن های دینی مصوب ۱۳۱۲ در سال ۱۳۶۶ تمدید و ابقا شد.

اقلیت های دینی علاوه بر استفاده از تعطیلات رسمی کشور، می توانند مطابق بخشنامه ۱۳۶۶ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، از مرخصی های ویژه در روزهای عید و جشن خاص خود مانند روز کیپور، روز تولد زردشت و روز تولد حضرت مسیح و عید پاک استفاده کنند. در این بخشنامه این تعطیلات خاص برای زرتشتیان ۵ روز، یهودیان ۶ روز، مسیحیان آشوری ۸ روز، مسیحیان ارمنی کاتولیک ۷ روز و مسیحیان ارمنی گریگوری ۶ روز پیش بینی شده است. (سایت دانشنامه حوزوی ویکی فقه، تاریخ رؤیت ۲۱ فروردین ۱۴۰۰)

۴- حقوق اقلیت های دینی و مذهبی در قانون اساسی و قوانین موضوعه عصر حاضر

بررسی وضعیت اقلیت ها در ایران را نمی توان از موضوع حقوق آنان در اسلام جدا نمود. از آنجایی که اقلیت های مذهبی در اسلام و سیره بزرگان دین مورد توجه بوده اند، در این باره قوانین زیادی وضع شده است. همچنین، در اسلام توجهی به نژاد و قومیت نشده است که به معنای عدم احتساب آنها به عنوان عمل مثبت و منفی می باشد. در عصر حاضر باتوجه به اینکه تدوین کنندگان قوانین مدنی معاصر ایران، اغلب دیدگاه شهروندی برگرفته از حقوق فرانسه را داشتند، در قانون اساسی و قانون مدنی عصر مشروطه ذکری از اقلیت ها وجود ندارد و اصل تابعیت کشورها بیشتر مورد توجه آنان بوده است. بدین جهت، در وضعیت فعلی ایران و باتوجه به قانون اساسی کنونی کشورمان سه بحث مربوط به اقلیت ها را می توان از هم تفکیک نمود: اقلیت دینی^۲، اقلیت مذهبی^۳، اقلیت قومی^۴، صفت اقلیت قومی با صفت اقلیت مذهبی و دینی قابل جمع است و در واقع نیز چنین جمعی وجود دارد. از آنجایی که انقلاب سال ۱۳۵۷، اسلامی بود و منجر به تشکیل حکومت اسلام می شد می توان گفت که آشکارترین اختلاف ایدئولوژی آن با اقلیت های دینی بود و لذا بیشتر از اقسام دیگر اقلیت در ایران، در قانون اساسی از آنها سخن به میان آمده است که مهمترین آنها:

۱- برابری حقوق با دیگر آحاد جامعه ۲- آزادی در پای بندی به آزادی وجدان و عمل به شعار آن ۳- حقوق اجتماعی و سیاسی می باشد. همچنین، منظور از اقلیت های مذهبی، اقلیت هایی هستند که به یکی از مذاهب اسلام غیر از شیعه اثنی عشری معتقدند (طبق اصل دوازدهم: حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی). اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی، بر تساوی مردم ایران و حقوق آنان تأکید دارد و تمایزات رنگ، نژاد، زبان و امثال آن را عامل برتری نمی داند و در زمره مانند اینها بایستی تفاوت دینی و مذهبی را جای داد. قانون اساسی در اصل دوازدهم به حق آزادی عقیده و انجام شعار

^۲ زردشتی، یهودی، مسیحی

^۳ آسنن حنفی، مالکی، حنبلی، مذهب زیدی

^۴ آسامی آنها ذکر نشده است، اما در اصول خاصی به آنها اشاره شده مانند اصول ۱۵ و ۱۹



مذهبی در اقلیت‌های مذهبی توجه کرده و متذکر می‌شود که پیروان مذاهب مذکور در انجام مراسم مذهبی، طبق قانون خود آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه^۵، در دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند. مضافاً اینکه، بارزترین مواردی که از قومیت یا گروه قومی می‌در ایران، در قانون اساسی نام برده شده است، اصل پانزدهم و نوزدهم می‌باشند.

اصل پانزدهم قانون اساسی بعد از اعلام و تعیین زبان رسمی و ذکر این بحث که اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی بایستی با خط و زبان فارسی باشد، آزادی‌های مختلفی را برای به کار بردن زبان‌های محلی و قومی متذکر می‌شود که عبارتند از: آزادی استفاده این زبان‌ها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی، تدریس زبان و ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی. این حقوق که در نوع خود جلالت توجه می‌نماید، امکان تداوم فرهنگی را برای گروه‌های قومی فراهم می‌آورند. اقلیت‌های قومی از دو حالت خارج نیستند یا از اکثریت شیعه اثنی می‌باشند و یا از اقلیت‌های دینی و مذهبی، که در هردو حالت حقوقشان مشترک می‌باشد.

مهمترین نکته متمایز با آن دو به آن دسته از تمایزات فرهنگی است که حمایت و حراست از آن در قانون اساسی وجود دارد. گروه‌های اقلیت در قانون اساسی را می‌توان از دو جنبه نام برد. یکی محور عقاید^۶ و دیگری محور قومیت^۷. از تلاقی این دو محور پنج دسته اقلیت در ایران وجود دارند: اقلیت دینی (مسیحیان انجیلی)، اقلیت دینی-قومی (ارامنه)، اقلیت مذهبی (نظیر اهل سنت در برخی شهرهای استان خراسان)، اقلیت مذهبی-قومی (مانند ترکمنان)، اقلیت قومی صرف (مانند آذری‌ها). که حقوق هریک به ترتیب در قانون اساسی آمده است. (قاسمی، ۱۳۸۲: ۸۶۹-۸۵۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی جامعه است و باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی باشد.

همچنین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر مبانی اصیل اسلامی است و تمام حقوقی را که تحت عنوان حقوق ملت برای آحاد جامعه به رسمیت می‌شناسد شامل همه اقلیت‌ها دانسته و حقوقی را مختص به اقلیت‌ها از جمله حق بر مشارکت و داشتن نماینده بیان نموده است. در بحث آزادی تعلیمات دینی چنین است که قانون اساسی بین تمام مسلمانان غیر شیعه ی جعفری برای مذاهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی حقوقی را قائل شده است.

از جمله اصل دوازدهم قانون اساسی مقرر داشته است که: «مذاهب دیگر اسلامی دارای احترام کامل می‌باشند». طبق این جمله، برای احتراز تفرقه هرگونه لعن یا بی احترامی نسبت به دیگر مذاهب اسلامی باید قانوناً ممنوع باشد و برای آن مجازات مقرر شود.

همچنین برای تأمین حقوق مذهبی دیگر مسلمانان، پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خود آزادند که در جامعه نیز این آزادی مورد احترام است و علاوه بر آن آزادی مذهبی اقتضا می‌کند که پیروان دیگر مذاهب اسلامی از امکانات تعلیم و تربیت دینی برخوردار باشند. (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳-۶۲)

^۵ ازدواج، طلاق، ارث، وصیت

^۶ اکثریت شیعه اثنی عشری، اقلیت‌های مذهبی و اقلیت‌های دینی

^۷ خصوصیات متفاوت غیر دینی و فرهنگی





ORCID

SID

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

موسسه تخصصی زبان

CIVILICA

علم نت

Google Scholar

in



magiran

Foormags

۱-۴- حقوق مدنی و سیاسی

اقلیت‌ها در ایران در قانون اساسی پیش‌بینی شده که اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌توانند در مجلس شورای اسلامی نمایندگی داشته باشند و از بین هم-کیشان خود نماینده‌ای انتخاب کنند و به مجلس بفرستند. مطابق اصل ۶۴ قانون اساسی، زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان، آشوری و کلدانی جمعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.

محدودیت تعداد نمایندگان اقلیت‌های دینی متناسب با تعداد جمعیت آنان در کشور است. زیرا با در نظر گرفتن نسبت جمعیت کشور به مجموع نمایندگان، آنان نسبت جمعیت محدود خود به طور عادلانه نمایندگی دارند. (ابراهیمیان، ۱۳۹۱: ۲۵۴) همچنین، مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی اقلیت‌های دینی می‌توانند مطابق ضوابط دارای انجمن و جمعیت باشند. و در ماده ۴ قانون فعالیت احزاب، مصوب ۱۳۶۰ آمده که انجمن اقلیت‌های دینی اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی می‌باشد که از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی مختص آن اقلیت باشد. به شکل و سازمان‌های اقلیت‌های دینی توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور مجوز داده می‌شود و تعاملات و ارتباطات مسئولین عالی رتبه جمهوری اسلامی با اقلیت‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی از حجم بیشتری در مقایسه با دیگر جوامع و قومیت‌ها برخوردار می‌باشد که نشانگر توجه ویژه مسئولین نظام به اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی می‌باشد که نمونه بارز آن، حضور ریاست‌جمهور وقت در سال ۱۳۸۳ در مراسم جشن ایالتوت^۸ یهودیان، در کنیسه یوسف آباد تهران بود که در تاریخ زندگی یهودیان در ایران ۲۷۰۰ سال سابقه داشته است. (پروین و سپهری‌فر، ۱۳۹۳: ۸۰)

ضمانت‌های حقوقی و سیاست‌های کلی در خصوص مبارزه علیه تبعیض بر اساس دین و عقیده این چنین است که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقلیت‌های دینی می‌توانند آزادانه به انجام مراسم مذهبی، پیروی از قوانین مذهب و احوال شخصیه خویش بپردازند. مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب، اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ رعایت حقوق پیروان دیگر مذاهب. مضافاً اینکه، مطابق اصل سیزدهم قانون اساسی: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی، تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند».

علاوه بر آن، اصل اول نوزدهم بیان می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان، مانند اینها سبب برتری و امتیاز نخواهد بود». در اصل بیستم قانون اساسی آمده است: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از تمام حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». علاوه بر قوانین اساسی در قوانین عادی نیز امور مذکور، مورد تأکید قرار گرفته است.

از جمله در ماده واحدهایی مثل «قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه، مصوب ۱۳۱۲» نسبت به احوال شخصیه، حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده آمده است: «محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که

^۸ جشن درختان



ORCID

SID

کتابخانه ملی ایران

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

CIVILICA

علم نت

Google Scholar

in



مقررات قانون راجع به انتظامات عمو می‌باشد، رعایت نمایند». مضافاً طبق ماده ۱۴۳ آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مصوب ۱۳۸۰، هنگام پذیرش زندانی، دین رسمی او در برگه پرسشنامه، درج و به منظور تقویت و تحکیم مبانی دینی زندانیان و اجرای آداب و مراسم دینی آنان با جلب کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام می‌از طریق مسئولین زندان، وسیله و تسهیلات لازم جهت انجام فرایض دینی آنها فراهم می‌گردد. (جاوید، ۱۳۹۲: ۱۵۳)

از دیگر حقوق اقلیت ها بایستی به انتخاب مدیران اقلیت برای مدارس و استخدام آنها بعنوان معلم، ایجاد تسهیلات جهت صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور، حق انجام فعالیت های فرهنگی، هنری، ورزشی، و تفریحی، امکان ادامه تحصیل در دانشگاه، مجوز چاپ کتاب و امکان فروش آن، امکان اشتغال در پست های دولتی، دریافت مجوزهای فرهنگی، هنری، تفریحی، مرمت و بازسازی اماکن مربوط، داشتن مدارس مختص اقلیت ها، داشتن قبرستان های اختصاصی. (حبیب‌زاده و هوشیار، ۱۳۹۳: ۸۴) حق داشتن معبد و حق استقلال داشتن در احوال شخصیه، حق تشکل، از دیگر موارد در حقوق سیاسی و مدنی می‌باشد.

۲-۴- حقوق اقتصادی و اجتماعی

گرچه قانون اساسی اشاره‌ای به حقوق اجتماعی اقلیت های دینی ندارد، بر اساس اصل تساوی عمو می در قبال قانون و برخورداری همه افراد ملت از حقوق مساوی در تمام زمینه‌ها، از جمله احراز مشاغل عمومی، اقلیت های دینی نیز از این حقوق بهره‌مند خواهند بود. به همین جهت، در قوانین عادی استخدامی و اداری بیشتر وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی، برای ورود اقلیت های دینی منعی نیست. در قوانین عادی ایران، اقلیت های دینی از حقوق اجتماعی بهره‌مند هستند که در ذیل به آن می‌پردازیم که از جماع:

الف- معافیت از مالیات

در بند ک ماده ۶۴ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات های مستقیم آمده است: «موقوفات و کمک ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی انجمن ها و هیئت های مذهبی مربوط به اقلیت های دینی گفته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروط به اینکه رسمیت آنها به تصویب وزارت کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است».

ب- رایگان بودن حق انشعاب آب و برق

در تبصره ۱۹ ماده واحد قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور آمده است: «معابد اقلیت های دینی شناخته شده، موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی برای یک بار و یک انشعاب از پرداخت حق انشعاب آب، دفع فاضلاب، برق و گاز معاف می‌باشند».

ج- معافیت از حق ثبت



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



در ماده قانون اصلاح موادی از آیین نامه قانون ثبت آمده است: کلیساها و معابد اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی و کاروانسراهای عباسی و رباط ها از حق الثبت معاف هستند. معافیت سایر سازمان ها و ارگان ها تابع مقررات خاص خود می باشد.

د- نامگذاری اسامی خاص

در آیین نامه اجرایی قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه آمده است: افرادی که علاوه بر زبان فارسی به یکی از زبان های خاص اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی یا گویش های محلی و قومی رایج در بعضی مناطق ایران سخن می گویند، مجازند از اسامی خاص متعلق به آن زبان یا گویش در نامگذاری محصولات و مؤسسات و اماکن مربوط به خود در همان مناطق استفاده کنند.

ه- عضویت در نظام پرستاری

تبصره ۱ ماده ۲۲ قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران در مورد شرایط انتخاب شوندگان هیئت های نظام پرستاری شهرستان ها و شورای عالی نظام پرستاری چنین بیان می کنند: اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تابع احکام دین اعتقادی خود می باشند، مشروط به اینکه تجاهر به نقض احکام اسلامی را ننمایند.

همچنین، حق مرخصی برای زندانیان، حق مرخصی در عید مذهبی، حق اخذ پروانه کارشناسی، استخدام در نیروی انتظامی، سردفتر ازدواج و طلاق از دیگر موارد حقوق اجتماعی اقلیت ها می باشد. (ابراهیمیان، پیشین، ۲۵۸-۲۵۵)

و- برابری دیه اقلیت های دینی با مسلمانان

مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه ۱۳۸۲/۱۰/۶ لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص میزان دیه اقلیت های مذهبی را بررسی کرد که در این جلسه، مجمع با تأیید نظر مجلس شورای اسلامی رأی به برابری دیه مسلمانان و غیر مسلمانان داد. این تبصره با استناد به نظر رهبر معظم انقلاب، مطرح و تصویب شد.

همچنین است حقوق اقتصادی و مدنی دیگر چون: اصلاح مسئله ی ارث اقلیت های دینی با حمایت ۱۹۹ نماینده مجلس شورای اسلامی، امکان اشتغال در محیط های دولتی، برخورداری از تسهیلات بانکی در انجام کارهای اقتصادی، داشتن مجوز کسب در اصناف مختلف، کسب موافقت نامه اصولی برای انجام فعالیت های اقتصادی، خرید و فروش آزادانه و تملک اموال منقول و غیر منقول، برقراری حقوق بازنشستگی. (پروین و سپهری فر، پیشین، ۸۵)





۳-۴- حقوق فرهنگی و آموزشی

امروزه شکی نیست که حقوق فرهنگی بعنوان بخش جدا نشدنی حق بشری مورد قبول جامعه بین المللی قرار گرفته است زیرا دسته ای از حقوق مندرج در اسناد بین المللی بویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر^۹، و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به خود اختصاص داده است.

در قانون اساسی نیز بدین صورت است که قانونگذار در نظام حقوقی ایران در اصل سیزدهم با ظرافت خاص و به روشنی این مطلب را پذیرفته است که ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی در تعلیمات دینی طبق آیین خود عمل نمایند.

آموزش تعلیمات دینی این سه دین الهی نیز مجاز اعلام می شود و پیروان این ادیان حق خواهند داشت که تعلیم آن را یاد بگیرند و یاد بدهند. همچنین، در اصل پانزدهم، استفاده از زبان هایی غیر از زبان فارسی در مطبوعات و رسانه ها و تدریس ادبیات آن زبان ها را در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد اعلام می کند. برای نمونه، آموزش زبان ارمنی، در مطبوعات و رسانه ها و تدریس آن در مدارس خاص در کنار زبان فارسی مانعی ندارد.

اصل سیزدهم قانون اساسی، اجرای مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه را که در مجموع، آثار و جلوه های فرهنگی ویژه دارند، برای اقلیت های دینی مذکور، آزاد گذاشته است. برای برخورداری شایسته از این حقوق شناخته شده، آزادی تأسیس و دایر کردن مساجد، کلیساها و کنیسه ها از یک طرف، و مدارس دینی و مذهبی مربوط از سوی دیگر، برای هریک از گروه های گفته شده اجتناب ناپذیر خواهد بود.

باتوجه به اشاره های قانون اساسی به حقوق مذکور، جلوه هایی از حقوق آموزشی و فرهنگی که قوانین عادی برای اقلیت های دینی در نظر گرفته مواردی از جمله: استفاده از تعطیلات اعیاد مذهبی و مناسبات ویژه اقلیت های دینی، تعطیل کردن مدارس خاص کلیمیان در روزهای شنبه، تدریس دروس دینی ارامنه در مدارس ارامنه، حق تأسیس مدارس غیر انتفاعی، حق ورود به دانشگاه، حق تأسیس آموزشگاه، حق انتخاب دروس معارف اسلامی برای اقلیت های دینی، حق تأسیس مراکز فرهنگی هستند.

باتوجه به موارد گفته شده، روشن است که نظام حقوقی ایران، حقوق فرهنگی و آموزشی را به طور خاص برای اقلیت های دینی ساکن در این سرزمین در نظر گرفته است. ممکن است برخی از محدودیت ها در بهره مندی اقلیت ها از حقوق خود با موازین بین المللی، سازگار نباشد که باتوجه به مندرجات اعلامیه ۱۹۹۲ حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی، قومی، مذهبی، و زبانی توجیه شدنی است. زیرا این اعلامیه شرط بهره مندی از حقوق خاص برای اقلیت ها را مغایر نبودن با حقوق ملی هر کشور بیان می نماید. (سایت انتخابات حوزه، تاریخ رؤیت ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰)

۵- موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به تبعیض نژادی

در کنار اکثریت مسلمان در کشور ایران اقلیت های غیر مسلمان نیز وجود دارند که با داشتن تابعیت ایران از اعضای ملت محسوب می شوند. اقلیت ها ضمن تمایل به برابری با اکثریت مسلمان، خواهان اقدامات حمایتی از سمت دولت ایران هستند که چه در قانون اساسی و چه در قوانین عادی تأکید ویژه ای به حقوق آنها شده و مورد حمایت هستند. پذیرش و احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی، از ویژگی های بارز ایرانیان در طول تاریخ کهن این

⁹ Universal Declaration of Human Right





ORCID

SID

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پایگاه داده ملی اسناد

پایگاه داده ملی اسناد

CIVILICA

علمنت

Google Scholar

in



سرزمین بوده و هست و ایرانیان سالیان زیادی است که حقوق اقلیت ها را در کنار اکثریت مسلمان رعایت کرده اند و فرهنگ و مذهب در این کشور هرگز زمین مساعدی برای کشت و پرورش تحقیرهای مذهبی و نژادی نبوده است.

با مطالعه اصول ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۳، ۲۲، ۱۹، ۱۴، ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می توان بیان نمود که در این قانون یک سلسله حقوق اساسی از جمله تساوی در برابر قانون، محفوظ بودن جان، مال، شغل، مسکن، آزادی عقیده، انتخاب شغل، برخورداری از روند عادلانه دادرسی، داشتن تابعیت، مشارکت در اداره امور کشور و همانند اینها برای همه افراد و اتباع کشور و شهروندان ایرانی صرف نظر از هر نوع وابستگی قومی، زبانی و مذهبی، به رسمیت شناخته است و همگی بدون هیچ تبعیضی از این حقوق می توانند بهره مند شوند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سیزدهم که اقلیت های دینی رسمی را سه دین دین یهودی، مسیحی، زرتشتی، معرفی می کند. همچنین، طبق اصل ۱۳ قانون اساسی فقط اینها، دارای ادیان توحیدی هستند بعنوان اقلیت دینی شناسایی می شوند. اقلیت ها، حق اجرای مراسم و مناسک مذهبی خود را دارند. قانونگذار نیز اجرای مراسم دینی اقلیت - ها را در حدود قانون آزاد می داند، زیرا همراه برخی از اعمال عبادی آنان ممکن است مراسمی باشد که اجرای علنی آن در جامعه مسلمانان حرام و در جمهوری اسلامی خلاف قوانین باشد.

در اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی نیز به صراحت بر برابری افراد ملت ایران بدون تمایز حتی زن و مرد تأکید می شود. مطابق اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز و برتری نخواهد بود و در اصل بیستم، پس از تأکید حمایت یکسان قانون از افراد ملت، با قید رعایت موازین اسلام، برخورداری یکسان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای همگان به طور برابر مقرر می دارد.

طبق اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. ضمانت اجرای تخلف از مفاد اصل ۲۲ قانون اساسی و تمام اصول قانون اساسی را بایستی در حقوق کیفری جست و جو کرد زیرا حقوقدانان رابطه ی مستقیمی بین حقوق کیفری و رشته های دیگر حقوق شناخته و حقوق کیفری را ضامن اجرای آزادی های فردی و اجتماعی می دانند. برای نمونه قانون اساسی انجام هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار از متهم را ممنوع می داند و مرتکب آنرا مستحق مجازات می داند.

رعایت حقوق اقلیت های مذهبی و قومی بر پایه همزیستی مسالمت آمیز به عنوان شهروند ایرانی مانند سایر افراد جامعه در تمام عرصه ها مورد توجه قرار گرفته که منجر به حضور فعال و گسترده این افراد در جامعه شده است. در نتیجه، در قیاس با حقوق اقلیت ها در کشورهای غربی می توان به این مسئله پی برد که ایران در برخورد با اقلیت ها بسیار منصفانه عمل می کند و شرایط زندگی و اجرای مراسم و تشریفات مذهبی، آزادی عقیده، آزادی بیان را برای غیرمسلمانان مهیا می سازد. (فضلی خانی، ۱۳۹۶: ۱۵۱-۱۴۸)

۶- نتیجه گیری

از دوران باستان تاکنون ایران مهد صلح و هم زیستی مسالمت آمیز انواع فرهنگ ها، مذاهب و قومیت بوده است و اقلیت های مختلف این سرزمین فارغ از هرگونه تبعیضی، بر طبق رعایت موازین حقوق بشری مورد احترام هستند که این مورد به دید فرهنگی مردم ایران به اقلیت ها ناشی از عمق تاریخی و فرهنگ اسلامی ایران بر می گردد. امروزه در جمهوری اسلامی ایران بالاترین استانداردهای تضمین حقوق بشری برای هموطنان اقلیت وجود دارد که



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



ORCID

SID

کتابخانه ملی ایران

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

پایگاه اطلاعاتی حقوقی

CIVILICA

علم نت

Google Scholar

indigo in



در کمتر کشوری دیده می‌شود که این امر برگرفته از تعالیم انسان دوستانه اسلام است که از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلام می‌از حقوق یکسان شهروندی برخوردارند و در انجام فرائض دینی و احوال شخصیه از آزادی و اختیار قانونی برخوردار بوده‌اند.

با بررسی حقوق و امکانات خاص اقلیت‌ها در کشورهای گوناگون درمی‌یابیم که در کشورهای غربی علی‌رغم تصویب قوانین حمایتی در مورد حقوق اقلیت‌های مختلف دولت‌ها در برابر این اقلیت‌ها بسیار سلیقه‌ای عمل کرده و موارد متعدد نقض حقوق اقلیت‌ها و به خصوص شیعیان و زنان شیعه وجود دارد، اما با تأمل در قانون اساسی جمهوری اسلام‌ای ایران در می‌یابیم که تدوین‌کنندگان قانون اساسی در نگارش و تصویب قانون اساسی ضمن اساس قرار دادن شرع مقدس نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با اقلیت‌ها نیز بی‌توجه بوده‌اند.

در قانون اساسی چنین درمی‌یابیم که، اصول قانون اساسی ایران در برخورد با اقلیت‌های دینی و مذهبی، مبتنی بر عدالت و انصاف است.

این عدالت و انصاف همچنین زمینه‌های مشارکت عمومی اقلیت‌ها را در سطح جامعه فراهم ساخته، بر آن تأکید و توصیه دارد که خود علت حفظ و استمرار هویت گروه‌های اقلیتی در جمهوری اسلامی ایران بوده است.

در یک جمع‌بندی کلی، گروه‌های اقلیت در قانون اساسی را می‌توان از دو جنبه تقسیم‌بندی نمود. یکی محور عقاید (اکثریت شیعه اثنی عشری، اقلیت‌های مذهبی و اقلیت‌های دینی) و دیگری محور قومیت (خصوصیات متفاوت غیر دینی و عمدتاً فرهنگی).

امروزه حقوق اقلیت‌ها نسبت به گذشته افزایش یافته و نسبتاً در وضعیت مطلوبی قرار دارند حال آنکه باید توجه داشت که همه افراد بشر به صرف انسان بودن و به دلیل وجود کرامت انسانی باید دارای حقوق یکسانی باشند و به دور از تبعیض نژادی، قومی، فرهنگی و دینی از آزادی برخ‌وردار باشند.



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir

Page 20 of 22



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



ORCID

SID

مجله حقوق و فقه نوین

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

CIVILICA

علم نت

Google Scholar

in

REF. IR

magiran

Footmogs

فهرست منابع و مآخذ

الف- کتب

- پیشدادی، جمشید (۱۳۷۷)، یادنامه میرزا سروش سهراب، تهران: انتشارات بینا
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰)، حقوق اقلیت ها، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی
- مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، نظام بین المللی حقوق بشر، جلد اول، تهران: انتشارات اطلاعات
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات میزان
- ب- مقالات
- ابراهیمیان، حجت الله، حقوق اقلیت های دینی در نظام سیاسی ایران (با تاکید بر قانون اساسی)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۱
- اخوان، منیره، حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل و جمهوری اسلامی ایران، پژوهش نامه حقوق بشری، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۵
- اکبری، محمدعلی؛ حرآبادی فراهانی، عاطفه، وضعیت آموزش زبان اقلیت های دینی در مدارس آنها در عصر پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۰ ه.ش)، فصلنامه تاریخ ایران بعد از اسلام، سال ششم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- پروین، خیرالدین؛ سپهری فر، سیما، حقوق اقلیت ها در قانون اساسی (با تاکید بر امکان، دارایی ها و حقوق سیاسی)، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳
- جاوید، محمدجواد، تبعیض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت های دینی در حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هجدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲
- جعفرپور، علی؛ ترکی دستگردی، اسماعیل، روابط دولت صفویه با اقلیت های دینی (یهودیان و زردشتیان)، مجله مسکویه، سال سوم، شماره ۹
- حبیب زاده، محمدجعفر؛ هوشیار، مهدی، موقعیت های دینی در حقوق کیفری ایران در پرتو اصل برابری در مقابل قانون، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۳
- شریفی طراز کوهی، حسین؛ قره باغی، عبدالله، تحلیل قاعده منع تبعیض نسبت به اقلیت ها در حقوق بین الملل، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹
- علم، محمدرضا؛ دنیاری، سکینه، بررسی نوع پوشش و حجاب زنان در دوره قاجار با نگاهی به آثار سیاحان خارجی این دوره (از پادشاهی آقامحمد خان تا دوران مظفرالدین شاه)، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال چهاردهم، شماره ۵۴، پاییز ۱۳۹۸
- فضلی خانی، اکرم، بررسی حقوق اقلیت ها در غرب و ایران، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال دوم، شماره ۷، بهار ۱۳۹۶
- قاسمی، محمدعلی، اقلیت ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲
- لسانی، حسان الدین، جایگاه اقلیت ها در حقوق بین الملل بشر (آخرین دستاوردها)، اندیشه های حقوقی، سال اول، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۲
- مایل افشار، فرحناز، بررسی نقش اقلیت های قومی/مذهبی در تأمین امنیت (شناخت تهدید ها و فرصت ها)، فصلنامه مطالعات اطلاعات و امنیت

انتظامی، دوره دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166



– نادرپور، بابک؛ مقصودی، مجتبی، هویت ها، تفاوت ها و جهان شمولی حقوق بشر (با تاکید بر هویت های دینی و قومی ایران)، مجله حقوق بشر، جلد ۸،

شماره ۱ و ۲، ۱۳۹۲

ج- پایگاه های اینترنتی

- <https://wikifegh.ir> -
- <https://entexabat.hawzah.net> -



<http://jaml.ir>



info@jaml.ir



+98 9196523692



Iran, Qom, post box 37135.1166